

# نوشته‌ای از: گونا میردال

ترجمه: بابک قهرمان

## درد‌ها و راه‌حل‌ها

(۱)

یادداشت مترجم

مقاله حاضر که برای اولین بار بصورت درس برای دانشجویان دانشگاه جان هاپکینز واشنگتن ارائه شده است نسبتاً طولانی است، بطوریکه سه شماره مجله تکین را خواهد گرفت. اگر مترجم می‌توانست تمام مقاله را بجا بیاورد برساند خیالش از هرگونه بیش داوری خواننده و بیتند آسوده میشد. ولی چون، در هر حال چنین امکانی وجود ندارد، مترجم از خواننده تقاضا دارد تا پایان نرسیدن مطلب از هرگونه اظهار نظر صریح در مورد این ترجمه خودداری کند. اگر بعضی از سطور این مقاله شعارگونه بنظر می‌رسد صرفاً بعلت ناامان بودن است. همانگونه که در بخش‌های آینده خواهیم دید راه‌حل‌های میردال همگی علمی و برآگاهی‌های اجتماعی و سیاسی عمومی و راه‌های دموکراتیک استوارند. بجائی که بعضی مطالب برای بعضی ارتجاعی بنظر می‌رسند، برخی مطالب دیگر برای عده‌ای ممکن است تند بنظر آیند. مترجم با در نظر داشتن این هدف که رسیدن به دانش کامل اجتماعی و سیاسی بجز با بحث و جدل میسر نیست بترجمه این صفحات اقدام کرده است. وانگهی ترجمه یک مطلب دلیل موافقت کامل یا بخش یا بخش‌هایی از مطلب نیست.

بابک قهرمان

کتاب درام آسیائی، مسائلی توسعه تمام کشورهای توسعه نیافته جهان را مطالعه نمی‌کرد. در حقیقت، چون مانند یک وظیفه، مصرانه به آسیای جنوبی چسبیده بودم، کتاب هم فقط بیک قسمت از جهان توسعه نیافته اختصاص یافته. قسمتی که من درباره‌اش مطالعات جامعی داشتم. ولی وقتیکه برای نوشتن کتاب حاضر (۱) مجبور به مطالعه شرایط سایر مناطق شدم، با تعجب دریافتم که با تمام اختلافات کاملاً روشن، که زمینه‌های تاریخی، یکی از آنهاست، شرایط اقتصادی و اجتماعی کشورهای توسعه نیافته تقریباً یکسانند و مسائلی که در اتخاذ سیاستها بوجود می‌آورند ماهیتی یکنواخت دارند.

انگاره‌های کلی نابرابریهای اجتماعی و سیاسی بسیاری از کشورهای توسعه نیافته اصولاً همانندند، و تقریباً در همه‌جا میزان این نابرابریها بطور فزاینده‌ای در حال افزایش است. بسیاری از این کشورها، بدون توجه به شکل حکومتی‌شان، بتوسط اولیگارش (۲) های کوچک ولی متغیر اداره میشوند. این کشورها معمولاً «ناکار آمدند» (۳)، و در آنها فساد بشدت متداول است و در حال ازدیاد نیز میباشد.

در آمریکای لاتین، اصلاحات ارضی، حتی وقتی که بصورت هدفهای مهم سیاستها درآمده باشند، معمولاً ناکام مانده‌اند. مسئله جمعیت در تمام کشورهای توسعه نیافته همانندست. سیاست

ظاهری کنترل باثباتی در این کشورها معمولاً یکست، ولی تا مرحله‌ای که این سیاستها بصورت برنامه‌های دولت‌ها درآیند زمان درازی در پیش است.

حتی در مورد آموزش نیز مسائلی نظیر حیرت‌آوری بیگانه‌گر شبیه‌اند. مسئله آموزش بزرگسالان بطور غیر عقلایی، در کشورهای غیر کمونیست بیاد فراموشی سپرده شده است. در این کشورها به قیمت فقیر کردن کیفیت آموزش، به کمیت آن، یعنی به تعداد دانش‌آموختگان ثبت نام کرده پرداخته‌اند. تقریباً در اغلب این کشورها، ترک تحصیل نوآموزان و احیاناً پرداختن دوباره بدرس و تکرار، از کارائی آموزشی ابتدائی بشدت کاسته است. علیرغم برنامه‌های اعلام شده، توجهی که به آموزش دوره متوسطه و عالی میشود، باتمام هزینه‌های زیادتری که دربردارد، بیشتر از توجهی است که مصروف آموزش‌های ابتدائی می‌گردد. مدارس و دانشگاهها بیشتر به جنبه‌های «فرهنگی» و «عمومی» می‌پردازند تا به احتیاجات تجربی، پیشه‌ای و حرفه‌ای.

با تمام شباهتهای اساسی فوق، بین کشورها، و بایطوری‌عمومی‌تر بین مناطق بخصوص در مورد پیشامدهای سیاسی تفاوت‌های چندی دیده میشود

مطالعه پیشامدها و پیشرفت‌های سیاسی آمریکای لاتین دارای ارزش خاصی است و به

توجه خاصی نیز نیاز دارد. آمریکای لاتین که از بیست و چند کشور تقریباً کوچک و بزرگ تشکیل یافته است، فقط در حدود نیمی از جمعیت هندوستان را داراست. ولی باتمام این تفصیلات اهمیت این قاره در این مطالعه بسیار زیاد است.

بزرگترین دلیل اینکه، پیشامدهای سیاسی در آمریکای لاتین بمرحله خشونت آمیز برخورد آرماتها و اقدامات تند و خند رسیده است. در این قاره، مانند هندوستان فقر زده، از نژات سیاسی موجود لااقل فطلاً، خبری نیست. بعلوه، کشورهای آمریکای لاتین از لحاظ جغرافیائی به ایالات متحده نزدیکترند. برای تقریباً بیش از یک قرن است که ایالات متحده در برقرار کردن نوعی روابط خاص با کشورهای آمریکای لاتین مصمم و موفق بوده است. قسمت اعظم پویائی و تحرک سیاسی کشورهای آمریکای لاتین از این روابط سرچشمه گرفته است.

در بین کشورهای آمریکای لاتین، تفاوت‌های بزرگ اقتصادی و ترکیبات قومی شدیدی دیده میشود. درست است که فقیرترین کشورهای آمریکای لاتین درآمد سرانه‌اش از هریالت هند، بجز پنجاب، بیشتر است، ولی فقری که در زاغه‌های روستائی و حلبی‌آباد شهرهای آمریکای لاتین مشاهده میگردد انسان را بوخت متدازد.

بطور کلی، نابرابریها حتی از هندوستان هم بیشترند. بخش‌هایی از بسیاری شهرها

مثالهای مجسم ثروت و تمدن نو بشمار می‌آیند. این بخش‌ها، برای طبقه محصور و محفوظ فوق بالا زندگی پر زرق و برق و برای «طبقه متوسط» توپا و حریص زندگی راحت فراهم می‌آورند. در هر حال بین وضع ایندو گروه و شرایط زندگی جمعیت فزاینده ساکنان حلی‌آباد و اطراف قسمت‌های مدرن شهر، تفاوت بسیاری وجود دارد. می‌توان گفت که یک سوم، و در بعضی ممالک نیمی از جمعیت فقیر آمریکای لاتین، در یکی دو دهه اخیر، از شرایط در حال توسعه زندگی و یا بقول عنوان کتاب راکفلر «از کیفیت زندگی» بهره‌ای نبرده‌اند (۱).

بسیاری از ممالک آمریکای لاتین، و بخصوص کشور های بزرگ آن، نسبت به هندوستان از صنایع تولیدی نوین بیشتری برخوردارند. ولی این صنعت و سازمان‌های نوین وابسته بان، حتی از صنعت و سازمان‌های مشابه هندی خود از توده مردم جدا تر افتاده‌اند.

کالاها و خدمات این صنایع در داخل خود بخش، تولید و فروخته میشوند و برای رشد خود، برای افراد همین بخش تقاضاها و احتیاجات جدید می‌تراشند و بر توسعه بخش بیرون از خود تاثیر چندانی ندارند. در کشور های آمریکای لاتین، برای سرعت بخشیدن به صنعتی شدن، بمنظور فراهم آوردن اثرات سودمند بر روی بقیه بخش‌های اقتصادی، برنامه‌گذاری‌های عاقلانه‌ای بعمل نیامده است. بی‌سبب نیست که کارشناسان آمریکائی اقتصاد آمریکای لاتین به نظریه توسعه (رشد غیر متعادل) (۵) رسیده‌اند.

روندهای اجتماعی و اقتصادی خطرناک و حرکت در جهت بکارنگرفتن نیروی کارگر و فقیر کردن حلی‌آبادها و حصارآباد های شهرها و روستاها، که در جایی دیگر به بحث پرداختیم (۶)، در آمریکای لاتین سریع‌تر شدیدترند.

رشد جمعیت، نسبت بسایر نقاط توسعه نیافته جهان، سریعتر است و بجز بعضی اقدامات خصوصی و بیهوده، تدابیر موثری برای مهار کردن و جلوگیری از افزایش جمعیت در میان توده‌ها بعمل نیامده است. و در عین حال، بیکار شدن کارگر و جانشینی ماشین در کشاورزی‌های وسیع بیشتر از سایر مناطق توسعه نیافته انجام پذیرفته است.

بر میزان شهر زدگی افزوده شده و این میزان شتاب سریعتری پیدا کرده است. در بسیاری از کشور های آمریکای لاتین، درصد جمعیت شاغل در بخش کشاورزی از پنجاه درصد کمتر است، ولی معینا بر میزان جمعیت روستائی کماتان، گرچه نه باندازه هندوستان، افزوده میشود.

قسمت عمده فعالیت های اقتصادی آمریکای لاتین بتوسط تجارت های خارجی، بخصوص آمریکا اداره می‌گردد. شرکتهای سهامی ایالات متحده، بطور مستقیم و یا غیر مستقیم، از طریق شرکت با موسسات محلی و یا اشکال

دیگر، بین هفتاد تا نود درصد از منابع مواد خام آمریکای لاتین، و شاید بیش از نیمی از صنایع تولیدی مدرن، بانکداری، تجارت و تجارت خارجی و بسیاری از کارهای فواید عامه (۷)، یعنی برق و آب و گاز و تلفن و غیره این قاره را در میزبانی خود دارند. درست است که ارقام فوق از روی تخمین بدست آمده‌اند، ولی دور از حقیقت نیز نمی‌باشند.

مسئله قابل توجه اینجاست که باستانی مواردی که بویائی و تحرک های اقتصادی از تغییرات اساسی ساختمان اقتصادی و اجتماعی سرچشمه می‌گیرند، در بقیه موارد تمام فعالیت های اقتصادی آمریکای لاتین از صنعتی شدن گرفته تا استخراج معادن طبیعی بطور مستقیم و یا غیر مستقیم تحت میزبانی کشورهای خارج، بخصوص ایالات متحده است. و چالب تر اینکه حتی مزارع تجارتنی قدیمی که بمنظور صادرات به تولیدات کشاورزی می‌پردازند، بسود خارجیان گردانده میشوند. شرکت متحده تولید میوه (۸) به تنهایی بیش از ۵۰ درصد درآمد های خارجی، یعنی تقریبا نظام زندگی اقتصادی شش کشور آمریکای لاتین را در تحت میزبانی خود دارد.

تولیدات اولیه، کشاورزی و استخراج معادن، تقریبا نود درصد صادرات آمریکای لاتین را تشکیل میدهند. البته، این تولیدات در کشور های آمریکای لاتین بازار کوچکی دارند و برای استفاده‌شان نظام اقتصادی تکمیلی (۹) مناسبی وجود ندارد.

بعلاوه، چون صنایع تولیدی نوعی از حمایت های کامل دولتهای محلی برخوردار بوده‌اند، دامنه تولید آنها فقط برای کفاف بازارهای داخلی هر کشور بسط پیدا کرده است. سطح تجارت بین کشور های منطقه آمریکای لاتین هنوز کاملا پائین است.

بنابراین، همیشه سطح شعاع است که تنها برای صنایع تولیدی نوین، و نه برای بخش های دیگر اقتصادی و ایجاد های تجارت آزاد و بازارهای مشترک وجود یافته، تا فرشی محصولات در بازارهای حمایت شده بزرگتر متعلق به بعضی از کشور های داخلی منطقه سهل تر بشود. و چون این بخش از اقتصاد تحت نفوذ صنایع خارجی قرار دارد، خود مردم آمریکای لاتین، البته بجز آنها که از منافع خارجیان سهمند، شور و شوقی برای یکپارچه کردن (۱۰) اقتصادی کشور های منطقه نشان نمی‌دهند. این موضوع شاید دلیل توجیه قسمتی از علل عدم یکپارچگی اقتصادی منطقه با وجود تمایلات ناسیونالیستی (ملت گراییانه) باشد.

در هیچکدام از کشور های آمریکای لاتین اقتصاد چندگونه (۱۱) بمعنای واقعی کلمه وجود ندارد. در بسیاری از این کشور ها تنها یک محصول، در درصد کل صادرات آنها را تشکیل میدهد. در بعضی دیگر، این میزان از ۴ درصد نیز فراتر میرود. بسیاری از کشور های آمریکای لاتین،

همیشه بدون وصول به نتیجه، با تورم قیمت‌ها که بعضی اوقات به ۲۰ تا ۳۰ درصد در سال و یا بیشتر میرسد، در حال مبارزه‌اند. این وضع محاسبات اقتصادی را بسیار مشکل ساخته، و بازار سفته بازی و مضاربه (۱۲) را گرم کرده، و بطور کلی بضرر قشر های کم درآمد تمام میشود. بسیاری از شرکتهای بزرگ تولیداتی صادرات کشاورزی و استخراج معادن، منجمه نفت، بعلت امتیازات غاصبانه و زمین های ارزانی که بدست آورده‌اند، خاطرات بسیار بدی را بر جای گذاشته‌اند.

این عامل دارای اهمیت بسیاری است، چه، بر اثر میراث فوق، حقوق مالکیت و امتیازات عجیبی در دست خارجیان، و بالاخص آمریکائیان باقی مانده است. با این حقوق و امتیازات همیشه مبارزه شده است، و با احتمال خیلی قوی این مبارزه در آینده با شدت بیشتر ادامه پیدا خواهد کرد.

همانطور که یک تاجر آمریکائی که در کار سرمایه‌گذاری آمریکای لاتین دست دارد در مصاحبه‌ای ب خبرنگار مجله خبرهای آمریکا و گزارشی جهان (۱۳) گفت:

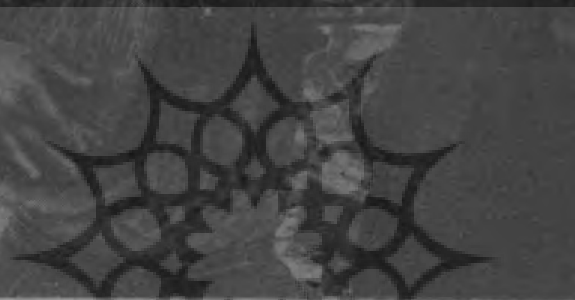
«قسمتی از معمای ما اینستکه... شرکتهای خارجی باید حساب نورهی را پس بدهند که جماعت آمریکای لاتین بعضی اوقات آنرا «تاریخ» غارتگرانه» معاملات تجاری ایالات متحده می دانند.»

تاریخ فوق، بطور مسلم سنتی بوجود آورده است که هنوز معاملات تجاری و سرمایه گذاری آمریکا را با هیئت های حاکمه مخفی از انظار، تحت تاثیر قرار می‌دهد.

در توجیه میراث مخرب فوق باید باین حقیقت توجه داشت که استقلال کشور های آمریکای لاتین سالها قبل (۱۴)، پس از تسلط اسپانیولی‌ها و پرتغالی‌ها، و در زمان ضعف این دو کشور و عقب ماندن آنها از مسابقه کشور های اروپائی بسوی لیبرالیسم و قدرتمندی و عدم فساد، صورت پذیرفت. کشور های آمریکای لاتین، برخلاف هندوستان که از عوامل مترقی تسلط انگلستان استفاده جست، از دو کشور اسپانیا و پرتغال فایده‌ای نبردند.

همچنانکه از نمونه تسلط انگلستان بر کشور توسعه نیافته هندوستان پیداست، و من در این فصل کشور های آمریکای لاتین را با این کشور مقایسه خواهم کرد، لازم نیست که برای دیدن جنبه های مثبت استعمار جنبه های منفی آنرا نادیده بگیریم.

هندوستان، پس از آزادی موفق شد که با برپا کردن دولت پارلمانی و برقرار داشتن آراء عمومی و حقوق کامل مدنی، با مشکل بسیار، نهادهای سیاسی خود را محکم تر از بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین حفظ نماید. این در درجه اول بعلت آموزشی بود که هندیان از حاکمان انگلیسی خود فرا گرفته بودند. در ثانی عواملی که انگلیسی ها قبل از ترک هندوستان بجای گذاشته بودند در ایجاد نمود فوق موثر بود. این را هر



طلبانه‌ای هستند. حتی در این حالت نیز، شورش‌ها بر اثر خاصیت فردگرایانه آنهاست. معمولا افراد «طبقه متوسط» آمریکای لاتین برای رفتن به حلی آبادهای شهرها و روستاها و آموزش آنان برای فعالیت‌های سیاسی، علاقه و یا استعدادی نشان نمی‌دهند. عده آنهایی که بدسته‌های ناراضی روستاها و شهرها می‌پیوندند بسیار کم است.

تعداد معدود کارگران صنایع تولیدی نوین، که بکارگر زیاد هم احتیاج ندارند، مانند دیگر کارگران کشورهای توسعه نیافته به «طبقه متوسط» جوامع چسبیده‌اند و درآمدشان در قیاس با حصیرآبادهای روستاها بر مراتب بالاتر است، این کارگران، هر جا که اتحادیه کاری دست و پا شده است در آن وارد شده‌اند. اینها، ممکن است که برای منافع خود بمبارزه برخیزند، ولی هیچگاه منافع خود را یا منافع روستاییان و شهرنشینان حصیرآبادها یکسان نخواهند دانست. درباره کارگران صنایع بزرگ استخراج معادن نیز چیز مشابهی را می‌توان گفت، بجز اینکه، اینها مانند کارگران مزارع تجاری، اغلب بصورت زحمتکش (۱۵) حقیقی باقی می‌مانند و تا «طبقه متوسط» فاصله زیادی دارند.

اگر تعداد زیادی از مردم «طبقه متوسط» آمریکای لاتین به طبقان به پیوندند و یا حتی بتشویق آن بپردازند بیشتر بخاطر توسعه «ملت‌گرایی خشم آلود» در این قاره، و یا بعبارت دیگر نمودهای ضد خارجی است.

متجانس و پراکنده است. طبقه متوسط، هیچ جا بطور پیوسته و خودآگاه بصورت گروهی از یک جامعه همفکر که منافع مشترکی داشته باشند، بگرد هم جمع نمی‌آید. مردم «طبقه متوسط» بطور تعجب‌آمیز، حتی بیشتر از آمریکاییان در کل فردگرا هستند. در طبیعت این جمع نیست که برای دفاع از منافع خود به فعالیت‌های هماهنگ و سازمان یافته دست بزنند. قسمت بزرگ «طبقه متوسط» بخصه‌های نسل پیش از این طبقه، نسبت به ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی خود چسبیده‌اند. آنها با وجود خوش خدمتی صادقانه‌ای که برای حفظ موقعیت خود به طبقه فوق بالای زمینداران و اربابان صنعتی و تجاری می‌کنند، در عین حال نیز نسبت به آنها حسد می‌ورزند.

چون شرکتهای آمریکائی و یا شرکتهای مختلط آمریکائی و بومی، برای ارضاء جاه‌طلبی‌های اقتصادی و اجتماعی این جماعت فرصت‌های مناسبی اعطاء می‌کنند، تمایل آنها بخدمت در این شرکت‌ها زیادتر است. این نه لزوما بدان معنی است که این جماعت از ناسیونالیسم (ملت‌گرایی) خشم‌آلود متداول منطقه دفاع نمی‌کنند. عقیده مردم بندرت بارفتار ظاهری آنها شباهت دارد.

افراد «طبقه متوسط» تا زمانی که جوانند و هنوز خود را در تلاش معاش و ترقیات فردی درگیر نکرده‌اند، همانطور که از ناراضی‌های دانشجویان پیداست، دارای آرمانهای شورش-

روشنفکر هندی، باتمام انتقادی که از انگلیسی‌ها می‌کند، بسادگی قبول دارد.

بعلاوه، از همان ابتدا و بخصوص در قرون هجده و نوزده، دولت استعماری انگلستان و مامورین دولتی هند، باتمام رعایتی که برای حفظ منافع تجاری انگلستان می‌کردند، نگذاشتند که هندوستان بتوسط اعمال وقیحانه و مؤثر استفاده چویان انگلیسی و سایر کشورها، بطور کامل مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

ولی، رفتار حکومت‌های مستعمره‌دار اسپانیا و پرتغال با کشور های آمریکای لاتین بگونه تقریبا سالم فوق نبود. وانگهی، چون سرمایه‌داری آمریکائی خود در مراد با شرکت‌ها و مقامات تجاری روابط مشکوک و فاسدی دارد، و مانند دولت های انگلستان و کشور های غربی شمال اروپا سالم نیست، تأثیری که دولت آمریکا و شرکت های تجاری بر روی نهادهای آمریکای لاتین گذاشته‌اند به خراب تر کردن وضع کمک کرده است.

برای ایجاد «ثبات»، بمعنای آمریکائی کلمه، و یا برای جلوگیری از طغیان های ملت - گرایانه، افزایش وسعت «طبقه متوسط»، شاید از طریق فعالیت های اصلاح طلبانه داخلی، مورد نظر بوده است. حقیقت اینستکه، برای رسیدن بهدهای فوق، طریقه انتخابی، متمر ثمر نخواهد بود.

مانند بسیاری از مناطق توسعه نیافته جهان «طبقه متوسط» در آمریکای لاتین غیر

نمی‌توان تصور کرد که حتی طبقه فوق بالا نسبت باین نوع ملت‌گرایی مصون باشد. گرچه این عده اغلب از طریق همکاری با شرکتهای آمریکائی سود می‌برند، ولی گاهی اوقات بعضی‌ها رقابت آمریکائیان را تهدیدی بر منافع خود می‌شمارند. ظاهراً باید این عده بائيات سیاسی نوع آمریکائی موافق باشند، ولی باتمام این تفصیلات احساسات ضد خارجی در گروه‌های بزرگی از طبقه فوق بالا مشهود است.

قبل از اینکه بموضوع نمود های ضد آمریکائی بپردازم، باید متذکر شوم که «انقلابات» مکرر کشور های آمریکای لاتین، که در ده بیست سال اخیر بصورت کودتاها، و آشوب های مآلا ناموفق مرتب بوقوع پیوسته و این اواخر بشکل اعمال خشونت آمیز درآمده‌اند، نباید این تصور فریب آمیز را در ما بوجود آورند که توده‌ها بطورکلی از لحاظ اجتماعی فعال تر شده‌اند و با دارند فعالتر میشوند. بسیاری از روشنفکران چپ‌ترا و خیال پرداز اروپای باختری و ایالات متحده و مشتاق انقلابات خشونت‌آمیز، امروزه دچار همین تصور فریب‌آمیز شده‌اند.

قبل از همه باید بگوئیم که، حتی در صورت وجود بعضی صور دموکراسی و انتخابات آزاد، تعداد کسانی که رای میدهند بسیار کم‌اند. اگر بگوئیم نه بسیاری از آنهايي که رای نمی‌دهند از طبقه کاملاً پائین هستند راه خطائی را نه بی‌موده‌ایم.

غالب اوقات برای داشتن حق رای باید با سواد بود. و دیگر اینکه، ساکنان حلی آبادها تقریباً نشانی صحیحی ندارند. نحوه ثبت نام برای انتخابات پیچیده است. باتمام این تفصیلات، طبقه فقیر اصولیایی به رای دادن ندارد، و حتی اگر رای بدهد به احزاب فاسد و جاه‌طلب مملو از اشخاص متنفذ و موقعیت طلب، رای میدهد. معلوم است که این احزاب هیچگاه منافع رای - دهندگان فقیر خودرا ملحوظ نمی‌دارند.

در نواحی روستائی زارعین بنابستور ارباب و مالک که تحت نفوذ اوستند رای میدهند. روش هائیکه این اربابان در تهدید و اذعاب برای گرفتن رای درمورد روستائیان بکار می‌برند، از روشهای اربابان هندی خشن‌تر و ظالمانه‌ترند. ولی در آمریکای لاتین، هیچگاه برضد اینگونه اعمال اعتراضات دسته جمعی بوجود نیامده است. البته استثنائاتی نیز دیده میشود، ولی بطورکلی نحوه رفتار طبقات پائین درانتخابات، البته درصورت وجود یک چنین انتخاباتی، صدق نظریه گسترش آفاهی توده‌ها را نسبت به منافع سیاسی خود، ثابت نمی‌کند.

دیگر اینکه، شکست ریشه گرفتن نهضت - های چریکی درمیان توده های مثلا کولومبیا، بولیوی، گواتمالا و ونزوئلا و گاه و بیگاه در آژانتین، برزیل، پرو واکوادور را نمیتوان بحساب کارائی ارتش و نیروهای پلیس موردحمایت و زبردست آمریکا منظور داشت. مقایسه اوضاع و احوال با آمریکای لاتین این موضوع را بخوبی روشن می‌سازد.

بعضی اوقات کارگران وزارعین خرده‌پا، بطور پراکنده، برای کسب شرایط بهتر بتشکیل اتحادیه‌ها می‌پردازند. آنچه رسیدن بههدف فوق، از طریق تشکیل اتحادیه درمورد وجود تصدات پیش از نیاز کارگر و استفاده ناقص از این نیرو مشکل است، ولی وجود اینگونه اتحادیه‌ها حتی در نواحی بسیار فقیر شمال شرقی برزیل مشاهده شده است.

رهبری این اتحادیه‌ها اغلب بدست کلیسا است. تعداد محدود ولی فزاینده‌ای از کشیش - های کاتولیک از لحاظ اجتماعی و اقتصادی تمایلات اصلاح طلبانه و حتی انقلابی پیدا کرده‌اند. چون علائم نوی از جهت کلیسای دم تمام دنیا داده میشود، روال فوق چه در آمریکای لاتین و چه در تمام دنیا ممکن است شدت پیدا کند.

ولی باتمام این احوال، کنش پذیری و بیحالی طبقات پائین حلی آباد های روستائی و شهری جلوی تاثیر داروهای ضعیفی نظیر داروهای فوق را خواهد گرفت. اگر درنظر آوریم که بسیاری از افراد این طبقه سواد اصولی ندارند، و گرسنه و بدون غذا هستند، و در تحت بدترین و ظالمانه‌ترین شرایط اجتماعی بزرگشده‌اند، جانی برای عجیب انکاشتن کنش پذیری فوق باقی نمی‌ماند.

این تجربیات نمی‌تواند دال براین موضوع باشند که توده های آمریکای لاتین را در هیچ شرایطی نمیتوان به طغیان کشاند. حتی می‌توان گفت که راههای دموکراتیک بعلت اعمال زور هیئت های مرتجع و خشن کردن اثر این راهها، فعلاً محلی برای فعالیت ندارند.

جمهوری دومینیک برای مدت چندین دهه در تحت حکومت متفردترین نوع دیکتاتوری، یعنی دیکتاتوری رافائل تروخیلو بود. سرمایه‌داری خارجی رژیم تروخیلو را تا آنجا که منافع خودش تهدید نشده بود حمایت کرد. آنان زمان بعد، بروی شکل صادراتی دومی نیکن ترفه مخصوصی بسته شد. در سال ۱۹۶۰ رابطه سیاسی ایالات متحده با حکومت تروخیلو بتوسط ایالات متحده قطع شد. دراین زمان تین آمریکا و گروههای مخالف زیرزمینی دومی نیکن ارتباط برقرار شده بود. درست سال بعد بود که تروخیلو کشته شد.

از آن زمان تاکنون، دولت ایالات متحده بطور مداوم باتمام وسائل ممکنه در دومی نیکن درگیر بوده است. در زمان پرزیدنت کندی، آمریکا به خوان بوش که در سال ۱۹۶۲ به قدرت رسید و رئیس یک حزب اصلاح طلب بود کمک کرد. ولی حکومت او دوامی نیافت و دست بوش پس از هفت ماه از حکومت کوتاه شد.

در بهار ۱۹۶۵، دخالت نظامی آمریکا که بدستور پرزیدنت جاتسون صورت گرفته بود، سازمان مخالفین شورای نظامی حکومتی را متکوب کرد. خوان بوش، در کتابی که در پاریس، پناهگاه خود، نوشته است از تجربیات آمریکای لاتین چنین نتیجه می‌گیرد که دراین فاره انتخابات عمومی و دموکراسی صوری، راهی برای اصلاحات نخواهند بود. توصیه او، برای آمریکای لاتین،

نوعی حکومت دیکتاتوری است که از طرف مردم حمایت شده باشد (۱۹). مشکل پیشنهاد فوق اینستکه توده های مردم بعلت کنش پذیری و بیحالی شدید خود از برپاکردن و یا حتی حمایت هرگونه نهضت سیاسی که بیاریشان بشتابد، لاقلاً در ابتدای کار، خودداری خواهند کرد.

نمونه بعضی از کشورهای هم که طبقه حاکمه سالهای در آنها روی کار آمده است تنها می‌تواند ثابت کند که حکومت‌های اصلاح طلب پس از بوجود آمدن، در صورت دوام، از طریق دعوت مردم بکار و برقرار کردن سیاستهای موافق مردم، خواهند توانست که از حمایت مردم برخوردار گردند. البته این موضوع موقعی صادق است که دولت جدید بتوسط نیروهای مخالف و یا دخالت نظامی خارجی و یا همکاری هر دو، قدرت خودرا از دست ندهد تازه، حمایتی که مردم پس از بوجود آمدن حکومت اصلاح طلب، از این حکومت بوجود آمدن حکومت اصلاح طلب، از این حکومت ها خواهند کرد در صورتی تحقق خواهد پذیرفت که گرسنه نباشند.

۱ - مقصود کتابی است، که این فصل را از آن گرفته‌ایم. کتاب مزبور بتوسط مترجم در دست ترجمه است.

۲ - Oligarchy، حکومت گروه تلیل برعهده‌ای کثیر، مترجم.

۳ - Soft state، مقصود دولتی است که در آن فساد و قانون شکنی و ابراز نفوذ فراوان است. مترجم.

۴ - Nelson A. Rockefeller, Quality of Life in the America. Washington D.C.

اوراق پلی‌گپی ۱۹۶۹.

۵ - Unbalanced growth، مترجمه خود به درام آسیائی ضمیمه شماره ۲.

۶ - فصل سیزدهم، کتابی که نام بردیم. مترجم.

۷ - Public utilities

۸ - United Fruit Co.

۹ - Complementary Economy

۱۰ - Economic Integration

۱۱ - Diversified Economy

۱۲ - Speculation

۱۳ - U.S. News and World Report

۱۴ ژوئیه ۱۹۶۶.

۱۴ - رجوع شود به کتاب بسیار جالب

زان فرانکو بنام «فرهنگ نوین آمریکای لاتین»

جامعه و هنرمند «انتشارات پلیکان» مترجم.

۱۵ - Proletariat

۱۶ - Juan Bosch, Pentagonism: A Substitute for Imperialism. Trans. by Helen R. Lane, New York, Grove Press, 1969.